

نمی‌دانیم یادت هست یا نه؟ با یک سلام آغازگر
مهربانی‌هایت شدی و با لبخندی ملیح، به روشنی مهتاب
تداومش بخشیدی، ای همیشه آفتاب! ای کاش دوباره تکرار
آمدنت و مهربانی‌هایت تکرار می‌شد.

آه که نمی‌دانی چقدر دلبسته حضورت بودیم و تا چه اندازه
اسیرت شده بودیم. اسیر سادگی‌ات؛ اسیر برق عطوفت
چشمانت و اسیر خنده‌های آرام و شیرینت!

باور کن. تو را به خدا باور کن! به صداقت چشمان خدایی‌ات
سوگند! از جان بیش‌تر دوست داشتیم. برای این‌که بیایی و در
کنارمان بمانی، عشق را به غرامت گرفته بودیم و قلب‌های
رنجور و شکسته‌مان را به اسارت احساس وا گذاشته بودیم.

آمدی و علاقه را میهمان چشمان دریایی‌ات کردی و ما چه
شاد بودیم از این‌که، میهمان صداقت و صمیمیت تو بودیم، ای
ارجمندتر از خورشید! پروانه‌های رنگی خیالمان را گواه
می‌گیریم که هرگز فراموش نکنیم و رهروانی نیکو برای راه
پرنورت باشیم ای روشن‌تر از مهتاب!

آمدی با کوله‌باری از عشق و صفا، با نسیم خوش صبح، با
لطفی به لطیفی سوسن، با مهر کبوتر. آمدی و غنچه لبخند را
میهمان لب‌هایمان کردی، آمدی مهربان‌تر از گذشته،
صمیمی‌تر از قبل، پرشورتر از دیروز. آه که نمی‌دانی چقدر
دوستت داشتیم و به چشمان خدایی‌ات می‌بالیدیم.

وابسته نگاه زیبایت بودیم و ستایش‌گر گرمی دستانت!
در پی هر فرصتی بودیم تا از باغ نصیحت سبد سبد میوه
عشق بچینیم و خوشه خوشه معرفت بیاموزیم. آمدی تا ما
دل‌مان را به آستان صمیمیت بسپاریم و تو غمخوارمان باشی!
از تو خواستیم و تو را خواندیم: که بیایی و چراغ تاریک‌خانه
دل‌هایمان شوی، امید درهای بسته‌مان شوی، و نویدی
خوش برای آرزوهایمان!

آمدی و انتظار را به سر آوردی، شاید می‌دانستی که تا چه
حدی تاب چشم‌های سراسر مهر تو بودیم. آمدی تا با
گرمی وجود مقدست تن رنجور و یخ‌کرده‌مان را
التیامی باشی.

آثار مهم‌های

تقدیم به روح ملت امام خمینی (ره)
زمره حاجی‌پور (یاسمن)

